

بررسی عوامل مؤثر بر عدم مشارکت بهره‌برداران در پروژه‌های آبخیزداری (مطالعه موردی حوضه آبخیز برنجستانک)

مهدی زارعی، علی آزموده، حمید امیرنژاد و عبدالله پیرنیا

۱- دانشجوی دکتری بیابان‌زدایی دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه کاشان

mehdzareii2007@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری مهندسی آبخیزداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری و عضو باشگاه پژوهشگران

جوان دانشگاه آزاد قائمشهر

۳- استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

۴- دانشجوی دکتری مهندسی آبخیزداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

چکیده

مشارکت بهره‌برداران در پروژه‌های آبخیزداری امری ضروری بوده، بخش مهمی از موفقیت پروژه‌ها را سبب می‌شود. امروزه نقش مردم در امر اصلاح، احیا و مدیریت منابع طبیعی ملموس بوده، از رویکردهای جدید سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور محسوب می‌شود. هدف کلی پژوهش حاضر تعیین عوامل مؤثر بر میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های آبخیزداری اجرا شده در حوضه آبخیز برنجستانک، واقع در شهرستان سوادکوه است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که با بهره‌گیری از فن پیمایش و پرسشنامه انجام شده است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده و از طریق مصاحبه رودرور به تعداد ۶۰ بهره‌بردار انجام گردید. نتایج نشان داد که سن بهره‌برداران و شناخت از پروژه‌ها به ترتیب دارای ارتباط منفی و مثبت با تمایل افراد برای شرکت در پروژه‌ها هستند. همچنین، با توجه به نتایج، بین سطح سواد و مالکیت بهره‌برداران و تمایل به مشارکت آنها در طرح‌های آبخیزداری از نظر آماری رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ به طوری که می‌توان عوامل مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در پروژه‌های آبخیزداری را عوامل ادراکی، فردی، ارتباطی-اطلاعاتی و اقتصادی دانست.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، بهره‌بردار، پروژه‌های آبخیزداری، حوضه برنجستانک

مقدمه

اهمیت حوضه‌های آبخیز با توجه به این امر که بستر طبیعی حیات و فعالیت‌های اجتماعی و انسانی است، قابل توجه است. از سویی، تنوع نیازها و افزایش بهره‌برداری از این عرصه‌ها در مقایسه با گذشته موجب شده که سالیانه صدها هزار هکتار از حوضه آبخیزها به بیابان تبدیل گردد. لذا حفظ وضعیت کنونی آبخیزها و جلوگیری از تخریب بیشتر، جز در پرتو مشارکت فعالانه و همه‌جانبه مردم امکان‌پذیر نخواهد بود (ابراهیم‌پور، ۱۳۷۹؛ بینا، ۱۳۸۲). از طرفی، یکی از عوامل مؤثر در موفقیت اجرای پروژه‌های مرتع و آبخیزداری، ایجاد انگیزه مشارکت در میان ساکنان حوضه آبخیز به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر اقدامات گسترده و مفیدی در جهت جلب مشارکت مردمی و نهادهای دولتی و غیردولتی برای همکاری و کمک در امر حفاظت و احیای منابع طبیعی در ایران صورت گرفته است (شعبانعلی‌فمی، ۱۳۸۳). تشکیل تعاونی‌های منابع طبیعی، واگذاری مدیریت جنگل‌های شمال و خارج از شمال ایران به مردم، جلب مشارکت مردم برای سرمایه‌گذاری در امر تولید و اشتغال و توسعه جنگل و مرتع، از جمله فعالیت‌های مشارکتی سازمان در سال‌های اخیر بوده است (رضوی‌عرب، ۱۳۷۸). در این زمینه نیسن و همکاران (۲۰۰۷) با هدف کمی نمودن اثر اقدامات آبخیزداری بر فرسایش خاک در اراضی زراعی شمال اتیوپی، چنین نتیجه گرفتند که از دیدگاه اکولوژیک و اقتصادی، به‌کارگیری این گزینه‌ها با مشارکت مردم نتیجه بخش بوده، به طوری که بیش از ۷۵ درصد از کشاورزان از اجرای این فعالیت‌ها در اراضی زراعی خود راضی بوده‌اند. مطالعات نشان

می‌دهد که اغلب کشورهای توسعه یافته، علت موفقیت خود را آموزش‌های هدفمند و سازمان‌یافته در ابعاد مختلف یک طرح می‌دانند (همت‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵). مردم، منابع و مشارکت سه رکن توسعه پایدار انسانی را تشکیل می‌دهند. مشارکت بدین دلیل که هم هدف توسعه و هم وسیله رسیدن به آن است، نقش ترکیب‌کننده دو متغیر به شمار رفته، در نتیجه عنصر کلیدی در فرآیند توسعه پایدار تلقی می‌شود (خلیقی و همکاران، ۱۳۸۰). اعتقاد بر این است که با مشارکت مردم در مدیریت آبخیزها، مهارت‌های فنی و تحلیلی بهره‌برداران بهبود یافته و این امر می‌تواند موجب تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی و انسجام اجتماعی گردد (رانبرگ و همکاران، ۲۰۰۱).

مشارکت جامعه سبب کاهش هزینه‌ها در جمع‌آوری اطلاعات، تعیین راهکارها، توافق، تدوین قوانین، هماهنگی اعضای جامعه، نظارت و اعمال بهتر قوانین می‌گردد (سینگلتون و همکاران، ۱۹۹۲). مشارکت در نواحی روستایی به مفهوم ساماندهی رابطه متقابل انسان روستایی با محیط جغرافیایی یا بهره‌وری بهینه در سطوح مختلف تولید کشاورزی است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۸). پژوهش‌های متعددی در ارتباط با عوامل مؤثر در مشارکت مردم صورت گرفته است؛ برای مثال، ردی و همکاران (۱۹۷۳) در پژوهشی با عنوان «چه کسی در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت می‌کند؟» بیان می‌دارد که افراد با مهارت‌های اجتماعی خاص، از جمله توانایی برای ارتباط، نفوذکردن و اداره کردن دیگران، در این زمینه فعال بوده و توصیه یا خواهش دوستان، اقوام و همسایگان دلیل شرکت بیشتر افراد در

آبخیزداری و متغیرهای سطح سواد، میزان مالکیت زمین زراعی، میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی و مزیت نسبی وجود دارد. در مقابل، ارتباط منفی بین میزان مشارکت در طرح‌ها و متغیرهای سن، تجربه کشاورزی و تعداد دام وجود دارد. رضوی عرب (۱۳۷۸) به این نتیجه اشاره کرد که هر چه سطح فقر، نابرابری اقتصادی، بیسوادی و ناآگاهی‌های عمومی بیشتر باشد، به دنبال آن آگاهی کمتر و در نهایت، برنامه مشارکتی ناموفق‌تر خواهد بود. با توجه به بررسی مطالعات انجام شده می‌توان دریافت که در مجموع عوامل مختلفی در مشارکت مردم نقش دارند که با توجه به شرایط حاکم در هر منطقه، تاثیر یک یا چند عامل بیشتر از سایر عوامل است. ملاحسینی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌های حفاظت آب و خاک پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد پرسش‌شوندگان تمایل به مشارکت در پروژه‌ها دارند. در بخش آمار تحلیلی بجز پارامتر سن، هیچ‌گونه رابطه‌ای بین متغیرهای مستقل درآمد، سطح تحصیلات، مالکیت و شناخت پروژه و متغیر وابسته تمایل به مشارکت دیده نشده و نشان دهنده این واقعیت است که افراد، بدون شناخت و آگاهی از پروژه و اهداف آنها تمایل زیادی به مشارکت نشان می‌دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد علت تمایل به مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌ها، فقر مالی ساکنان روستاهای مورد مطالعه، دولتی بودن اعتبارات پروژه‌ها، خصوصیات انگیزه کسب درآمد و اشتغال است. شریفی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های آبخیزداری شهرستان جیرفت پرداختند. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین متغیر وابسته میزان

فعالیت‌های داوطلبانه است. جرج (۱۹۹۲) بیان می‌دارد که مشارکت بیشتر و مؤثرتر در صورتی قابل انتظار است که تطابق بیشتری بین نیازهای مردم و هدف پروژه وجود داشته باشد. مطالعات پروکپی (۲۰۰۵) نشان می‌دهد موفقیت و یا عدم موفقیت طرح‌های آبخیزداری به میزان سطح مشارکت مردم در آن محل وابسته است. در پژوهش دیگری باجی (۲۰۰۵) در مطالعات خود به این نتیجه دست یافت که متغیرهای سن، وضعیت اجتماعی بهره‌برداران و تعداد اعضای خانوار، از جمله عوامل مؤثر در میزان مشارکت مردم در چنین طرح‌هایی هستند. شریعتی و زیدبخش (۲۰۰۶) به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان جنگل نشین در حفاظت از جنگل‌های شمال و غرب کشور پرداختند. نتایج آنان نشان می‌دهد که میزان مشارکت روستاییان در حفاظت از جنگل‌ها در ارتباط نزدیک با متغیرهای میزان آگاهی از اهمیت و فواید جنگل، شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی، تأمین سوخت توسط دولت و استفاده از تسهیلات حمایتی است. نتایج یافته‌های کاتاکوتان و دکویه (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که برای موفقیت طرح‌های آبخیزداری، چهار شرط سرمایه‌گذاری و تأمین مالی، توسعه ظرفیت فنی و مدیریت، وجود فرهنگ سیاسی مناسب و اعمال قوانین ملی روشن ضروری است. محمدی (۱۳۸۲) در پژوهشی عوامل آگاهی اجتماعی، اعتماد به مجریان طرح، پایگاه اجتماعی و اختلافات قومی را جزو عوامل مؤثر بر مشارکت مردم بر- می‌شمارد. صالحی (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌های آبخیزداری پرداخت. نتایج حاصل بدین شرح بود که رابطه مثبت و معنی‌داری بین میزان مشارکت در طرح‌های

اساس شدت همبستگی مشخص گردید که کمبود علوفه مراتع و گرانی قیمت علوفه دستی، ضعف در ارایه تسهیلات کم بهره، کاهش انگیزه مالکیت به علت برخورد کمتر با متخلفان و ضعف پیگیری و نظارت کارشناسان، به ترتیب بیشترین همبستگی را با پروژه مدیریت چرا داشته‌اند. از آنجا که یکی از عوامل تخریب منابع طبیعی عامل انسانی است، بنابراین مشارکت بهره‌برداران در برنامه‌های آبخیزداری می‌تواند ضمن بهره‌برداری صحیح و اصولی، نقش اساسی در حفظ آب و خاک و مدیریت حوضه آبخیز داشته باشد. لذا هدف کلی پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر بر میزان مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌های آبخیزداری، شناخت ابعاد مشارکت آنان و ارتباط آن با توسعه منابع طبیعی و در به نتیجه رسیدن طرح‌های منابع طبیعی است.

مواد و روش‌ها

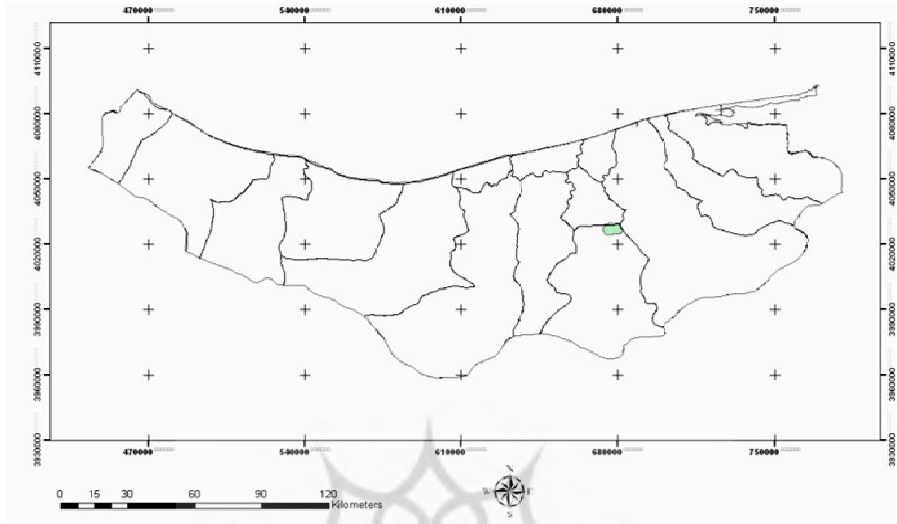
منطقه مورد مطالعه

حوضه آبخیز برنجستانک در بخش مرکزی استان مازندران در شهرستان سوادکوه، بخش شیرگاه (۱۰ کیلومتری شمال شرق شیرگاه و ۱۳ کیلومتری جنوب شرقی قائمشهر) واقع شده است (شکل ۱). مساحت حوضه مورد مطالعه ۳۷۰۰ هکتار بوده، حداقل ارتفاع حوضه ۱۵۳ متر در محل خروجی و حداکثر ارتفاع آن ۷۷۷/۲ متر در مرتفع‌ترین نقطه آن قرار دارد. حوضه مذکور در بین طول‌های جغرافیایی ۲۱° ۸' تا ۳۶° ۲۳' ۵۹" و عرض‌های جغرافیایی ۱۰° ۵۶' ۵۲" تا ۵۳° ۱۴۴' واقع شده است. در محل خروجی حوضه سد خاکی زمزم احداث گردیده تا آبهای این حوضه را کنترل کند. تنها راه ارتباطی

مشارکت روستاییان در طرح‌های آبخیزداری با متغیرهای سطح تحصیلات، میزان رضایتمندی، میزان انسجام اجتماعی، سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی، میزان انگیزه پیشرفت، کشاورز نمونه، عضویت در نهادهای عمومی روستا، میزان مسافرت به خارج از روستا، مددکار ترویجی، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، سابقه فعالیت کشاورزی، میزان مالکیت باغ و زمین کشاورزی، میزان درآمد از طریق فعالیت‌های کشاورزی، میزان برخورداری از مشوق‌ها، سطح زیر کشت و فعالیت شورای اسلامی روستا، رابطه مثبت و منفی و معنی‌دار وجود دارد. میردامادی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی اثرهای رابطه بین مشارکت مردم و پیامدهای اجتماعی- اقتصادی در طرح حبله‌رود پرداختند. نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین متغیر میزان مشارکت مردم در مراحل مختلف طرح حبله‌رود و متغیرهای افزایش آگاهی از اهداف طرح، میزان پذیرش طرح، ایجاد گروه‌های اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری، افزایش درآمد خانواده، افزایش تولید، دستیابی به اعتبارات جدید، افزایش حجم آب استحصالی حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از سیل و فرسایش خاک رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های پژوهش محمودی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد رابطه معنی‌داری بین موانع پذیرش بهره‌برداران با پروژه مدیریت چرا از دیدگاه کارشناسان در عرصه‌های مراتع وجود دارد. نتایج آزمون بررسی هر یک از شاخص‌های موانع پذیرش گویای آن است که محدودیت وجود مراتع قشلاقی و میان‌بند می‌تواند بیشترین چالش را در پذیرش اجرای پروژه مدیریت چرا ایجاد نماید. با رتبه‌بندی متغیرها بر

رودخانه تیجون که در شرق رودخانه تالار واقع شده، احداث گردیده است.

ماشین‌رو به این حوضه، راه نیمه‌آسفالتی است که از جاده قائمشهر به سوادکوه خارج می‌شود و پس از روستاهای بشل، یاخکو و برنجستانک به حوضه می‌رسد. حوضه آبخیز سد برنجستانک بر روی



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه در استان مازندران

بین متغیرهای مورد نظر و میزان مشارکت مردم، بررسی همبستگی بین آنهاست. بنابراین، با استفاده از روش همبستگی در محیط نرم افزار SPSS16 به تحلیل ارتباط بین متغیرهای مورد نظر و مشارکت پرداخته شد. متغیر وابسته در پژوهش حاضر، میزان تمایل مردم به مشارکت در پروژه‌های آبخیزداری است که خود به متغیرهای مستقلی از قبیل: سن، سواد، شناخت پروژه‌ها و مالکیت بستگی دارد. در این پژوهش جامعه آماری شامل بهره‌برداران ساکن در روستاهای موجود در حوضه سد برنجستانک است. روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای با تخصیص متناسب و تصادفی بوده که فرمول کلی آن به صورت زیر است:

$$n_i = (n / N) * N_i \quad (1)$$

در این رابطه N_i شماره هر روستا (شامل دو

روش پژوهش

برای اجرای پژوهش حاضر، ابتدا مطالعات توجیهی و اجرایی انجام شده توسط مدیریت آبخیزداری استان مازندران در حوضه سد برنجستانک بررسی شد. سپس شاخص‌های اجتماعی مرتبط با مردم حوضه، از جمله سن، سواد، معیشت، امکانات، درآمد و ارتباط آنها با میزان تمایل مردم منطقه در مشارکت پروژه‌های آبخیزداری ارزیابی شد. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که با بهره‌گیری از فن پیمایش و پرسشنامه انجام شده است. برای اطمینان از توجیه‌پذیری پرسشنامه، پس از تهیه پرسشنامه مقدماتی، پرسشنامه در اختیار اساتید و برخی از صاحب‌نظران در حوضه ترویج منابع طبیعی قرار گرفته و پس از اعمال اصلاحات مربوطه، سؤال‌های مربوط به هر پرسشنامه تعیین و تنظیم گردید. یکی از روش‌های متداول برای ارزیابی ارتباط

مطالعه بوده، به طوری که ۸۴ درصد افراد مورد مطالعه بیسواد و کم سواد هستند که این خود می‌تواند زمینه‌ساز یکی از عوامل مؤثر در عدم آگاهی و مشارکت باشد.

جدول ۲- فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس میزان

تحصیلات

سطح سواد	بی‌سواد	دیپلم	سیکل	کم‌سواد
درصد فراوانی	۳۸	۸	۸	۴۶

وضعیت اشتغال افراد مورد مطالعه

در حوضه برنجستانک شغل کشاورزی- دامداری فعالیت غالب منطقه را به خود اختصاص داده، به طوری که در حدود نیمی از بهره‌برداران مورد مطالعه به این شغل اشتغال داشته و شغل دامداری کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد (شکل ۲). نتایج به‌دست آمده نشان دهنده این امر است که در حدود ۸۲ درصد بهره‌برداران منطقه به کشاورزی یا دامداری اشتغال دارند که باید در برنامه‌های آینده سرمایه‌گذاری، مدیریتی و اجرایی به این امر توجه ویژه شود.

شکل ۲- میزان فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس نوع اشتغال

تکفل

از نظر بعد خانوار نتایج زیر مشاهده شد: متوسط بعد خانوار ۶ نفر، کمترین بعد خانوار ۱ نفر و بیشترین بعد مربوط به تکفل ۹ نفر بوده است. نتایج نشان می‌دهد که تنها ۳۳/۱ درصد بعد خانوار منطقه با بعد خانوار ایرانی مطابقت داشته، بقیه خانواده‌ها از لحاظ تعداد افراد تحت تکفل در شرایط بحرانی به‌سر می‌برند که این خود می‌تواند باعث فقر اقتصادی و

روستا)، n زمان مصرفی برای پر کردن پرسشنامه‌ها، N مجموع خانوارهای هر روستا و n_i حجم نمونه است. با توجه به این رابطه، تعداد نمونه در منطقه مورد بررسی ۶۰ عدد محاسبه شد که با توجه به خانوارهای هر روستا تعداد نمونه برای هر روستا مشخص شد. مطالعات پرسشنامه‌ای طی دو مرحله و از طریق مصاحبه رودررو با نمونه‌ها (بهره‌برداران) برای تعداد ۶۰ نمونه انجام گرفت.

نتایج:

سن

در این پژوهش افراد به چهار گروه سنی نوجوانی، فعالیت، تجربه و بازنشستگی تقسیم شدند. با توجه به نتایج میانگین، حداقل و حداکثر سن مصاحبه شوندگان به ترتیب برابر با ۴۹، ۲۲ و ۷۰ سال مشاهده شد. نتایج نشان می‌دهد که به ترتیب بیشترین و کمترین فراوانی مربوط به طبقه‌های سنی مربوط به گروه سنی بیشتر از ۶۰ سال (سن بازنشستگی) و زیر ۲۵ سال (نوجوانی) بوده است (جدول ۱). بنابراین، مشخص می‌گردد که ترکیب سنی جامعه مورد مطالعه بالای میانسال است.

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس سن

گروه سنی	فراوانی	درصد واقعی	درصد تجمعی
زیر ۲۵ سال	۶	۱۰	۱۰
۲۶-۲۹ سال	۱۷	۲۸/۳	۳۸/۳
۳۰-۵۹ سال	۹	۱۵	۵۳/۳
بیشتر از ۶۰ سال	۲۸	۴۶/۷	۱۰۰

تحصیلات

نتایج حاکی از فقر فرهنگی شدید در منطقه مورد

بسیار محدود بوده و تنها با حضور اعضای هیأت امنا و عده محدودی از ریش‌سفیدان روستاها برگزار شده است. از طرفی، اطلاع‌رسانی در سطح بالایی نبوده و برای یادگیری مردم عامه به صورتی روان و عامیانه مطرح نشد. نتایج حاکی از آن است که حدود ۸۲ درصد از افراد مورد مطالعه دارای شناخت متوسط به طرف عدم شناخت بوده و تنها ۱۸ درصد از آنها از پروژه‌ها شناخت نسبتاً کامل تا شناخت کامل دارند.

فرهنگی خانواده‌ها شود.

جدول ۳- توزیع فراوانی بهره‌برداران بر اساس بعد

خانوار

ردیف	بعد خانوار (نفر)	فراوانی	درصد واقعی	درصد تجمعی
۱	مجرد	۶	۱۰	۱۰
۲	۱-۲	۴	۶/۷	۱۶/۷
۳	۳-۴	۱۰	۱۶/۶	۳۳/۳
۴	۵-۶	۱۶	۲۶/۷	۶۰
۵	بیش از ۶	۲۴	۴۰	۱۰۰

میزان هزینه سالانه خانوار برای هر فرد

در پژوهش حاضر هزینه سالانه خانوار برای هر فرد به چهار طبقه تقسیم شد. نتایج نشان داد که طبقه کمتر از ۴۸۰۰۰۰۰۰ ریال دارای بیشترین فراوانی و طبقه بیشتر از ۱۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال دارای کمترین فراوانی است.

جدول ۵- توزیع فراوانی افراد در مورد شناخت انواع

پروژه‌ها

شناخت پروژه‌ها	فراوانی	درصد واقعی	درصد تجمعی
عدم شناخت	۹	۱۵	۱۵
شناخت خیلی کم	۱۳	۲۱/۷	۳۶/۷
شناخت کم	۱۶	۲۶/۶	۶۳/۳
شناخت متوسط	۱۱	۱۸/۴	۸۱/۷
شناخت نسبتاً کامل	۵	۸/۳	۹۰
شناخت کامل	۶	۱۰	۱۰۰
جمع	۶۰	۱۰۰	

جدول ۴- توزیع فراوانی میزان هزینه سالانه خانوار برای هر

فرد

هزینه سالانه خانوار برای هر فرد (ریال)	فراوانی	درصد واقعی	درصد تجمعی
کمتر از ۴۸۰۰۰۰۰۰	۴۰	۶۶/۶	۶۶/۶
۴۸۰۰۰۰۰۰ - ۶۰۰۰۰۰۰۰	۱۴	۲۳/۴	۹۰
۶۰۰۰۰۰۰۰ - ۱۲۰۰۰۰۰۰۰	۴	۶/۷	۹۶/۷
بیش از ۱۲۰۰۰۰۰۰۰	۲	۳/۳	۱۰۰

علل عدم مشارکت بهره‌برداران منطقه در اجرای

پروژه‌های آبخیزداری

عدم اطلاع‌رسانی کافی به مردم منطقه و عدم آگاهی کافی آنها را می‌توان به عنوان مهمترین دلایل عدم مشارکت مردم در پروژه‌ها در منطقه مورد مطالعه ارائه نمود، به طوری که حدود ۶۹ درصد از افرادی که در پروژه‌ها مشارکت نداشته‌اند، علت آن را عدم آگاهی کافی و عدم اطلاع‌رسانی بیان کرده‌اند. طی بررسی‌های انجام شده، مشخص شد تنها کسانی از وجود این گونه پروژه‌ها مطلع شده‌اند که دارای مسئولیت محلی (معمدان روستاها، هیأت امنا، بسیجی و ...) بوده‌اند و این مسأله حاکی از محدود بودن اطلاع‌رسانی در منطقه است. همچنین، طی

شناخت افراد از پروژه‌ها

طی بازدیدهای صورت گرفته از منطقه و گفتگو با بهره‌برداران و هیأت امنای روستاها، مشخص شد که میزان اطلاع‌رسانی به مردم در ارتباط با آگاه کردن و جذب مشارکت آنها در زمینه طرح‌های آبخیزداری

حاکمی از وجود ارتباط منفی معنی‌دار بین سن افراد و میزان تمایل به مشارکت آنهاست.

جدول ۶- رابطه بین سن و میزان تمایل به مشارکت در

پروژه‌ها

سن	عدم تمایل		تمایل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کمتر از ۲۵	۲	۳۳/۳	۴	۶۶/۷
۲۶ - ۳۹	۱	۵/۸	۱۶	۹۴/۲
۴۰ - ۵۹	۴	۴۴/۴	۵	۵۵/۶
بیش از ۶۰	۱۸	۶۴/۳	۱۰	۳۵/۷
جمع	۲۵		۳۵	
نام آزمون	مقدار آزمون		سطح معنی‌داری	
پیرسون	-۰/۴۹۲		۰/۰۰۰	
اسپیرمن	-۰/۴۷۸		۰/۰۰۰	

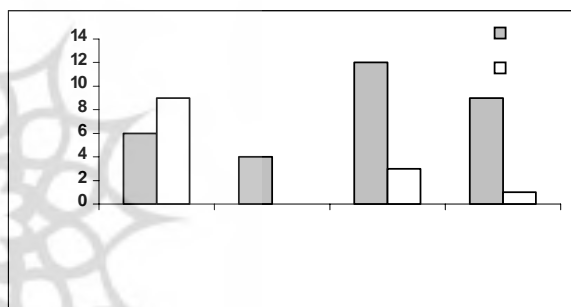
ارتباط بین سواد و میزان تمایل به مشارکت

با توجه به جدول زیر این نکته حاصل می‌شود که با در نظر گرفتن متغیر مستقل سواد، ۹ نفر از افراد دارای عدم تمایل و در مقابل ۵۱ نفر نیز تمایل خود را برای مشارکت در طرح‌ها نشان دادند. همچنین سطح سواد خواندن و نوشتن در بین افراد دارای تمایل و عدم تمایل بیشترین درصد را تشکیل می‌دهد. بر اساس نتایج زیر بین سواد و میزان تمایل به مشارکت افراد در طرح‌های آبخیزاری همبستگی منفی غیر معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۷- رابطه بین سواد و میزان تمایل به مشارکت

سواد	عدم تمایل		تمایل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۲	۸/۶	۲۱	۹۱/۴
خواندن و نوشتن	۴	۱۴/۸	۲۳	۸۵/۲
سیکل	۱	۲۰	۴	۸۰
دیپلم	۲	۴۰	۳	۶۰
جمع	۹		۵۱	
نام آزمون	مقدار آزمون		سطح معنی‌داری	
پیرسون	-۰/۲۲۲		۰/۰۸۹	
اسپیرمن	-۰/۱۹۴		۰/۱۳۷	

نتایج به دست آمده روستای یاخکو عدم اطلاع رسانی و بهره‌برداران روستای برنجستانک، عدم آگاهی کافی را علت اصلی عدم مشارکت در پروژه‌ها مطرح نمودند. برای تعیین ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون‌های آماری پیرسون و اسپیرمن استفاده شد و نتایج آن به تفکیک بررسی و تجزیه و تحلیل شد. در این بخش وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته به عنوان فرض پژوهش و عدم رابطه بین این متغیرها به عنوان فرض صفر در نظر گرفته شده است.



شکل ۳- توزیع فراوانی علت عدم مشارکت مردم در پروژه‌ها

ارتباط بین سن افراد و میزان تمایل به مشارکت

با توجه به جدول زیر مشخص می‌شود که از نظر سن نیز ۲۵ نفر از افراد مورد مطالعه تمایلی به حضور و شرکت در طرح‌های مورد نظر را نداشته و در مقابل ۳۵ نفر نیز تمایل خود را برای مشارکت نشان دادند. همچنین، مشخص می‌شود در میان افرادی که تمایلی از خود نشان دادند، گروه سنی بیشتر از ۶۰ سال و در بین افراد دارای تمایل، گروه سنی ۲۶-۳۹ سال بیشترین درصد را تشکیل دادند. برای تعیین میزان معنی‌داری یا عدم معنی‌داری بین متغیر مستقل (سن افراد) و متغیر وابسته (تمایل افراد به مشارکت) از آزمون‌های پیرسون و اسپیرمن استفاده شد. نتایج

ارتباط بین مالکیت و میزان تمایل به مشارکت

نتایج مربوط به ارتباط بین مالکیت و میزان تمایل در جدول زیر نمایه شده است. مطابق با جدول مذکور مالکیت افراد بیشترین درصد افراد را در بین افراد دارای تمایل و عدم تمایل تشکیل می‌دهد. نتایج این بخش حاکی از عدم رابطه بین مالکیت افراد مورد مطالعه و میزان تمایل به مشارکت آنها در پروژه‌های آبخیزداری است؛ بدین معنی که در منطقه مورد مطالعه مالکیت هیچ اثری در میزان تمایل به مشارکت افراد نداشته، رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود ندارد.

جدول ۸- رابطه بین مالکیت و میزان تمایل به مشارکت

مالکیت	عدم تمایل		تمایل		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
غیرمالک	۱	۱۶/۶	۵	۸۳/۴	۶
مالک	۱۱	۲۰/۸	۴۳	۷۹/۶	۵۴
جمع	۱۲		۴۸		۶۰
نام آزمون		مقدار آزمون		سطح معنی‌داری	
پیرسون		-۰/۰۵۲		۰/۶۹۴	
اسپیرمن		-۰/۰۵۲		۰/۶۹۴	

ارتباط بین شناخت و میزان تمایل به مشارکت

نتایج مربوط به ارتباط بین شناخت از پروژه‌ها و میزان تمایل برای شرکت در طرح‌های مورد نظر در جدول (۹) ارائه شده است. با عنایت به این امر که رمز موفقیت طرح‌های مشارکتی، آگاه کردن مردم و توجیه آنها در این زمینه است، نقش آموزش و آگاهی‌دادن از طرف سازمان‌های مرتبط به بهره‌برداران کاملاً مشخص می‌شود. نتایج حاصل از آزمون‌های مورد استفاده حاکی از وجود رابطه همبستگی مثبت و معنی‌دار (در سطح ۵ درصد) بین میزان شناخت افراد و میزان تمایل به مشارکت است.

جدول ۹- رابطه بین شناخت پروژه‌ها و میزان تمایل به

مشارکت

میزان شناخت	عدم تمایل		تمایل		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
عدم شناخت	۲	۲۲/۲	۷	۷۷/۸	۹
شناخت خیلی کم	۳	۲۳	۱۰	۷۷	۱۳
شناخت کم	۱	۶/۳	۱۵	۹۳/۷	۱۶
شناخت متوسط	۲	۱۸/۲	۹	۸۱/۷	۱۱
شناخت نسبتاً کامل	۰	۰	۵	۱۰۰	۵
شناخت کامل	۱	۲۰	۵	۸۰	۶
جمع	۹		۵۱		۶۰
نام آزمون		مقدار آزمون		سطح معنی‌داری	
پیرسون		۰/۱		۰/۰۴۴	
اسپیرمن		۰/۱۱۱		۰/۰۳۹	

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن ارائه شده در جدول ۶، بین سطوح سن بهره‌برداران و تمایل به مشارکت آنها در طرح‌های آبخیزداری رابطه منفی و معنی‌داری (در سطح یک درصد) وجود دارد؛ یعنی هر چه سن بهره‌برداران بیشتر شود، تمایل به مشارکت آنها در طرح‌های آبخیزداری کمتر است و در نتیجه بهره‌برداران جوانتر تمایل بیشتری به مشارکت در طرح‌های آبخیزداری دارند. به عبارت دیگر، فرض پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین سن و میزان تمایل به مشارکت تأیید و فرض صفر یعنی نبود رابطه رد می‌گردد. یکی از مهمترین مشکلات و چالش‌هایی که در مناطق روستایی کشور وجود دارد، مهاجرت روستایان و خروج نیروی کار جوان از این مناطق است که بسیاری از مشکلات را هم در مناطق مهاجر فرست (روستا) و هم در مناطق مهاجرپذیر (شهر) به دنبال دارد. از آنجا که بیکاری و نبود منبع درآمد مناسب در منطقه مورد

مطالعه علت اصلی مهاجرت جوانان به شهرها بوده، لذا برای حل مشکلات خود در این زمینه به دنبال منبع درآمدی در منطقه بوده و در نتیجه برای شرکت در پروژه‌ها تمایل زیادی نسبت به افراد مسن‌تر دارند. از طرف دیگر، یکی از اهداف اجرای عملیات آبخیزداری ایجاد اشتغال در مناطق مورد اجرای طرح‌های آبخیزداری است که این امر می‌تواند به جلوگیری از مهاجرت روستایی منجر شود. از دلایل دیگر مشارکت بیشتر جوانان در چنین طرح‌هایی می‌توان به اشتیاق بیشتر جوانان برای کسب آگاهی و شناخت در زمینه‌های مختلف اشاره کرد. نتیجه این بخش از پژوهش حاضر با نتایج مطالعات صالحی (۱۳۸۶) و رضوی عرب (۱۳۷۸) مطابقت و با نتایج ملاحسینی و همکاران (۱۳۸۸) مغایرت دارد. ملاحسینی و همکاران (۱۳۸۸) علت ارتباط مستقیم و مثبت دو متغیر سن و میزان مشارکت را این گونه بیان کردند که مسؤلیت خانوار و نحوه تامین نیازمندی‌ها به هنگام تنگدستی مسؤل خانوار را به پذیرش هر نوع عمل مشارکتی وادار می‌نماید. همان گونه که در جدول (۷) ملاحظه می‌شود، بین سواد بهره‌برداران و تمایل به مشارکت آنها در طرح‌های آبخیزداری سطح معنی‌داری ۰/۰۸۹ مشخص گردید. به عبارتی، فرض پژوهش یعنی وجود رابطه بین سواد و میزان تمایل به مشارکت رد و فرض صفر مبنی بر عدم همبستگی تأیید می‌گردد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن هم این موضوع را تأیید می‌کند. افراد بی‌سواد تمایل زیادی به مشارکت دارند، در حالی که افراد باسواد تمایل کمتری به مشارکت دارند. می‌توان بیان کرد که افراد بی‌سواد به دنبال آگاهی نبوده، ولی از نظر مشارکت علاقه‌مندی بیشتری نشان می‌دهند.

به طوری که انگیزه کسب درآمد، حضور فعالانه در صحنه کار و مشارکت بر اساس تجربه و سنت‌ها در بین آنها چنان رسوخ یافته که کسب درآمد بیشتر را به عنوان انگیزه قویتری نمایان می‌کند. علل دیگر در این زمینه می‌تواند در ارتباط با پایین بودن سطح سواد در بین بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه باشد. نتایج این بخش از مطالعه با نتیجه همت‌زاده و خلیقی (۱۳۸۵) و ملاحسینی و همکاران (۱۳۸۸) مطابقت و با نتایج صالحی (۱۳۸۶) مغایرت دارد. همان گونه که ملاحظه می‌شود، بین مالکیت بهره‌برداران و میزان تمایل به مشارکت آنها در طرح‌های آبخیزداری از نظر آماری رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، فرض پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین مالکیت و میزان تمایل به مشارکت رد و فرض صفر مبنی بر وجود عدم همبستگی تأیید می‌گردد. می‌توان بیان کرد که با ایجاد مالکیت و به‌وجود آمدن این حس، انگیزه تمایل به مشارکت بسیار قویتر نمایان می‌گردد. نتیجه این بخش مطالعه با نتایج نتیجه همت‌زاده و خلیقی (۱۳۸۵) و صالحی (۱۳۸۶) همخوانی دارد. با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن، بین میزان شناخت بهره‌برداران و تمایل به مشارکت آنها در طرح‌های آبخیزداری رابطه مثبت و معنی‌داری (در سطح ۵ درصد) وجود دارد. به عبارتی، هرچه شناخت بهره‌برداران نسبت به پروژه‌ها بیشتر شود، تمایل به مشارکت آنها در طرح‌های آبخیزداری بیشتر می‌شود. لذا بهره‌بردارانی که آگاهی و شناخت بیشتری نسبت به پروژه‌های آبخیزداری داشته‌اند، مشارکت آنها نیز در طرح‌های آبخیزداری بیشتر بوده است. از این نتیجه می‌توان به اهمیت آموزش بهره‌برداران، ترویج و انتقال دانش و اطلاعات به

سوادآموزی در ارتباط با منابع طبیعی و آبخیزداری اجرا گردد. همچنین، برای بالا بردن میزان مشارکت، از افراد مجرب به عنوان افراد پیشرو در طرح‌های مذکور بهره گرفته شود. با توجه به این امر که یکی از علت‌های اصلی برای حضور در این طرح‌ها را می‌توان داشتن منافع اقتصادی برای افراد شرکت کننده دانست، لذا شرایطی برای اخذ درآمد اقتصادی بهتر برای مشارکت‌کنندگان ایجاد گردد. در پایان می‌توان عنوان کرد که با آگاه نمودن مردم به مزایای عملیات آبخیزداری و ایجاد انگیزه در افراد و همچنین برقراری کلاس‌های آموزشی کوتاه مدت و میان مدت، می‌توان به جلب همکاری و همراهی روستاییان امیدوار بود.

منابع:

- ۱- ابراهیم پور، م. (۱۳۷۹). «وضعیت و جایگاه کنش مشارکتی و عوامل مؤثر بر آن در آبخیزداری»، مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه، تهران: دفتر ترویج و مشارکت مردمی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور.
- ۲- بینا، ل. (۱۳۸۲). «بررسی نقش مشارکت زنان در مقابله با بیابانزایی و عوامل مؤثر در مشارکت آنان در بیابان‌زدایی در حوضه حبله‌رود سمنان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۶۴ص.
- ۳- حاجی ملاحسینی، ا.؛ همت‌زاده، ی.؛ ربیعی، م. (۱۳۸۸). «بررسی مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌های حفاظت آب و خاک آبخیزداری (مطالعه موردی روستاهای شهرستان کلاله استان گلستان)»،

بهره‌برداران پی‌برد. با آگاه نمودن مردم به مزایای عملیات آبخیزداری و ایجاد انگیزش در آبخیزنشینان و برگزاری کلاس‌های آموزشی کوتاه مدت و میان مدت می‌توان به جلب همکاری و همراهی روستاییان امیدوار بود. محمدی (۱۳۸۲) و رضوی عرب (۱۳۷۸) در مطالعات خود نیز به اهمیت بیش از پیش نقش آموزش و آگاهی‌های مردمی در افزایش میزان مشارکت در طرح‌های موجود اشاره کردند. با توجه به مطالعات انجام شده در این زمینه، دلایل عمده عدم مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌ها را می‌توان به مبهم بودن اهداف طرح، در نظر نگرفتن منافع دراز مدت مردم و لحاظ نکردن نظرهای مشورتی آنان نسبت داد. لذا زمانی که اهداف عملیات و مزایای طرح برای مردم شرح گردد، زمینه برای ایجاد همدلی و همکاری فراهم خواهد شد. نتایج این بخش مطالعه با نتایج حاصل از مطالعات موعدی (۱۳۸۲) و صالحی (۱۳۸۶) مطابقت دارد.

پیشنهادها:

با توجه به این امر که بیشتر افراد مورد مطالعه در این پژوهش دارای سطح تحصیلات بسیار پایینی هستند، پیشنهاد می‌گردد برای جلب مشارکت مردمی از فیلم‌های آموزشی، ملاقات با رهبران محلی و مروّجان و سخنرانی‌های ترویجی استفاده شود. لذا با توجه بیشتر مسؤولان ذی‌ربط به این موضوع و افزایش برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی، می‌توان انتظار داشت که مردم با حضور مستمر خود در این کلاس‌ها، میزان مشارکت خود را در این طرح‌ها بیشتر خواهند کرد. همچنین، با توجه به سطح سواد پایین در منطقه مورد بررسی، توصیه می‌گردد نسبت به اقدام طرح‌های آموزشی مشترک با نهضت

روستایی با تأکید بر ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ چهارم، ۱۹۷ ص.

۱۲- موحدی، ر. (۱۳۷۸). «مشارکت مردمی

چیست؟»، ماهنامه صالحین روستا، ش ۱۶۲.

۱۳- موعدی، م. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر

مشارکت مردم در فعالیت‌های آبخیزداری از دیدگاه

آبخیزنشینان حوضه‌های آبخیز استان سیستان و

بلوچستان، انتشارات مرکز پژوهش‌های حفاظت

خاک و آبخیزداری.

۱۴- میردامادی، م؛ علیزاده فرد، م؛ علیمردیان،

پ. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین مشارکت مردم و

پایامدهای اجتماعی - اقتصادی، در طرح حبله‌رود

(مطالعه موردی: استان تهران)»، مجله پژوهش‌های

اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۱، ش ۴:

۵۵۷-۵۶۴.

۱۵- همت‌زاده، ی. و خلیقی، ن. (۱۳۸۵).

«بررسی عوامل مؤثر بر عدم مشارکت بهره‌برداران در

طرح‌های مرتع و آبخیزداری»، مجله علوم کشاورزی

و منابع طبیعی، جلد سیزدهم، شماره چهارم: ۸۸-

۱۰۰.

16-Bagdi, G.(2005). People participation in soil and water conservation through watershed approach. Indian international book distributing (IBDs).

17-Catacutanb, D. and Duqueb, A. (2006). Challenges and opportunities in managing Philippine watersheds: The case of Manupali watershed in the southern Philippine. Conference on watershed management in the Philippine, Don Mariano Marcos Memorial University, La Union Philippine: 81- 89

18-George, S. (1992). Generalization in rural development: eleven village in south gujarat. Journal of international development. 18: 434-762.

19-Prokopy, L.(2005). The relationship

چهارمین کنفرانس آبخیزداری و مدیریت منابع آب و خاک، کرمان: ۱۶۸-۱۷۵.

۴-خلیقی، ن و قاسمی، ح. (۱۳۸۰). «بررسی

میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری»،

دومین سمینار ملی مرتع و مرتعداری در ایران،

دانشگاه تهران، ۹۰-۱۰۴.

۵-رضوی عرب، م. (۱۳۷۸). روش‌ها و فنون

ارزیابی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و (PRA) مشارکتی

روستایی آبخیزداری کشور.

۶-شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۳). رهیافت‌ها و فنون

مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی،

تهران: انتشارات مؤسسه روستایی ایران. ۴۶۱ ص.

۷- شریفی، آ؛ غلامرضایی، س؛ رضایی، ر.

(۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت

روستاییان در طرح‌های آبخیزداری شهرستان

جیرفت»، مجله علوم و مهندسی آبخیزداری، سال

چهارم، ش ۱۲: ۱-۱۰.

۸- صالحی، ل. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر بر

میزان مشارکت آبخیزنشینان در طرح‌های

آبخیزداری»، چهارمین سمینار ملی آبخیزداری و

مدیریت آبخیز، دانشگاه تهران.

۹- محمدی، غ. (۱۳۸۲). «عوامل مؤثر بر مشارکت

روستاییان در طرح‌های آبخیزداری»، ماهنامه جهاد،

ش ۲۶۱.

۱۰- محمودی، ح؛ حیدری، ق؛ میربزرگی، ع.

(۱۳۹۰). مجله تحقیقات منابع طبیعی تجدیدشونده،

سال دوم، شماره چهارم: ۹-۱.

۱۱- مطیعی لنگرودی، ح. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی

between participation and project outcomes: Audience from rural water supply projects in India. *Journal of world development*, 33:1801-1819.

20-Nyssen, J. Posen, J. Gebremichael, D. Vancampenhout, K. Dais, M. Yihdego, G. Govers, G. Leirs, H. Moeyersons, J. Naudts, J. Haregeweyn, N. Haile, M. and Deckers, J.(2007). Interdisciplinary on-site evaluation of stone bunds to control soil erosion on cropland in Northern Ethiopia, *Soil& tillage Research* 94 1521-163p.

21-Ravnborg, J. N. H.M. Westermann, O., Probst, K. (2001). User participation in watershed management and research. *Water Policy* 3, 507-520.

22-Reddy, R. Letcher, R.A. and Deyi, W. (1973). Who Participates in Voluntary Action? *Journal of Extension*. pp17-33.

23-Singleton, A. and M, Taylor. (1992). Common property, collective action and community. *J. Theor.Pol.* 4(3): 309-324.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی